# جلسه هفدهم 19/7/1393

## (مسألة 329)

***إذا نسي صلاة الطواف و ذكرها بعد السعي أتى بها‌و لا تجب إعادة السعي بعدها و إن كانت الاعادة أحوط و إذا ذكرها في اثنا السعي قطعه و أتى بالصلاة في المقام ثمّ رجع و أتم‌ السعي حيثما قطع و اذا ذكرها بعد خروجه من مكة لزمه الرجوع و الاتيان بها في محلها فان لم يتمكن من الرجوع أتى بها في أي موضع ذكرها فيه نعم إذا تمكن من الرجوع الى الحرم رجع إليه و أتى بالصلاة فيه على الأحوط الاولى و حكم التارك لصلاة الطواف جهلا حكم الناسي و لا فرق في الجاهل بين القاصر و المقصر.***[[1]](#footnote-1)

### نسیان صلاة طواف

نسیان نماز طواف، موجب اعاده اعمال مترتبه و یا اعاده طواف نیست و فقط نماز منسی باید اعاده شود و تا در مکه است خودش باید در خلف المقام بجا آورد، به دلیل صحیحه معاویة بن عمار: وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ وَ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) رَجُلٌ نَسِيَ الرَّكْعَتَيْنِ خَلْفَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ (عليه السلام) فَلَمْ يَذْكُرْ حَتَّى ارْتَحَلَ مِنْ مَكَّةَ- قَالَ فَلْيُصَلِّهِمَا حَيْثُ ذَكَرَ وَ إِنْ ذَكَرَهُمَا وَ هُوَ فِي الْبَلَدِ فَلَا يَبْرَحْ حَتَّى يَقْضِيَهُمَا.[[2]](#footnote-2)

و فرقی نمی کند که نسیان اصل نماز باشد و یا نسیان ارکان نماز باشد.

و همین طور است جاهل قاصر و مقصر که حجش صحیح است و فقط باید نماز طواف را بجا آورند و راه تصحیح نماز طواف جاهل قاصر نیز این است که مثلا وقتی برای تصحیح قرائت بیاید، به او گفته شود اگر به همین نحو نماز بخوانی، نمازت صحیح است و او تخیل می کند که قرائتش صحیح است و همین طور نمازش را می خواند و بعد به او گفته می شود برای این که به مشکل برخورد نکنی، چنین به تو گفته شد، ولی برای نمازهای بعدی باید تعلم قرائت صحیحه کنی.

و اگر جاهل مقصر باشد، نمازش باطل است، اما حجش باطل نیست و فقط اعاده نماز طواف می کند.

#### تذکر نسیان نماز طواف بعد از خروج از مکه

بحث مهمی که در این جا مطرح است، این است که اگر کسی نماز طواف را فراموش کند و وقتی متذکر شود که از مکه خارج شده یا از روی جهل تقصیری نماز طواف را نخواند و یا باطل بخواند، ولی بعد از خروج از مکه عالم شود، مشهور تفصیل داده اند و گفته اند اگر بتواند بدون مشقت به خلف المقام برگردد و نماز بخواند، باید چنین کند و گر نه در مکان تذکر و عالم شدن، نماز طواف خوانده می شود و نیازی به رجوع به مکه نیست.

اما وقتی به کلمات مشهور رجوع می شود، این کلمات مختلف است، گاهی تعبیر شده به من لایتمکن من الرجوع الی مکة و بحث مشقت نیست، مثلا شیخ طوسی در تهذیب گفته: *مَنْ نَسِيَ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ أَوْ صَلَّاهُمَا فِي غَيْرِ الْمَقَامِ ثُمَّ ذَكَرَهُمَا فَإِنَّهُ يَعُودُ إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي فِيهِ وَ لَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يُصَلِّيَ فِي غَيْرِهِ فَإِنْ كَانَ قَدْ خَرَجَ مِنْ مَكَّةَ ثُمَّ ذَكَرَ فَإِنْ كَانَ مِمَّنْ يَقْدِرُ عَلَى الرُّجُوعِ إِلَيْهِ رَجَعَ وَ صَلَّى فِيهِ وَ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ صَلَّى حَيْثُ ذَكَرَ*.[[3]](#footnote-3)

اما در برخی کلمات مثل ذیل تهذیب آمده: *اذا شق علیه الرجوع فلایجب علیه ان یرجع*.

در نهایة و مبسوط فقط بحث تمکن مطرح شده و نه مشقت در رجوع: *من نسي هاتين الركعتين أو صلاهما في غير المقام. ثم ذكرهما عاد إلى المقام و صلى فيه، و لا يجوز له أن يصلى في غيره. فإن خرج من مكة و قد نسي ركعتي الطواف فإن أمكنه الرجوع إليها رجع، و صلى عند المقام، و إن لم يمكنه الرجوع صلى حيث ذكره، و لا شي‌ء عليه.*[[4]](#footnote-4)

در سرائر ابن ادریس هم همین طور مطرح شده است: *من نسي هاتين الركعتين، أو صلاهما في غير المقام، ثمّ ذكرهما، فليعد إلى المقام، فليصلّ فيه، و لا يجوز له أن يصلّي في غيره، فإن خرج من مكة، و كان قد نسي ركعتي الطواف، و أمكنه الرجوع إليها، رجع، و صلّى عند المقام، و إن لم يمكنه الرجوع، صلّى حيث ذكر*.[[5]](#footnote-5)

شهید در دروس تعبیر به تعذر کرده که مرادف با عدم تمکن است: *لو نسي الركعتين رجع إلى المقام، فإن تعذّر فحيث شاء من الحرم، فإن تعذّر فحيث أمكن من البقاع*.[[6]](#footnote-6)

مرحوم شهید ثانی در مسالک اشکال می کند به شهید اول در ذیل عبارت شرایع که گفته: *و لو شق علیه الرجوع قضاه حیث ذکر*، شهید ثانی در شرح گفته: *المرجع في المشقّة إلى العرف. و لا يشترط التعذّر*.[[7]](#footnote-7) یعنی تعذر رجوع لازم نیست و مشقت در رجوع به مکه کافی است.

علامه در فوائد هم به مشقت در رجوع تعبیر کرده است و لذا عبارات فقهاء مختلف است.

شق علیه الرجوع هم معلوم نیست به معنای حرج باشد، بلکه چه بسا سختی که به حرج نرسد را نیز شامل شود، گرچه محقق خوئی نظر مشهور را مشقت رجوع گرفته است و لکن تعبیر کرده مع المشقة و الحرج، در حالی که مشقت اعم از حرج است که مشقت شدیده ای است که لاتتحمل عادتا و مشهور سخن از حرج نزده اند.

#### کلام محقق خوئی در مقام

محقق خوئی در رابطه با تفصیل مشهور که به نظر ایشان این است که اگر رجوع حرجی باشد، در همان مکان تذکر نمازش را می خواند و گرنه باید به مکه برگردد، فرموده: حق با مشهور است و در توضیح آن فرموده: دو فرض در مساله داریم، یک فرض این است که خروج از مکه، خروج ارتحالی و قاصدا الرجوع الی بلده باشد، و فرض دیگر این است که خروج از مکه به سوی منی و عرفات برای انجام اعمال باشد و نه خروج ارتحالی.

اما اگر خروج به قصد ارتحال نباشد و به منی و عرفات برای اتیان به اعمال می رود، گاهی هنوز به منی نرسیده و صرفا به ابطح رسیده است (چون مکه قدیم تا عقبة المدنیین بوده است و از عقبة المدنیین به ابطح می آمدند که الان معابده نام دارد و داخل در مکه جدید است) و در ابطح متذکر می شود، در این جا اگر وقت ضیق نیست، باید به مکه برگردد به دلیل صحیحه محمد بن مسلم: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليه السلام) قَالَ: سُئِلَ عَنْ- رَجُلٍ طَافَ طَوَافَ الْفَرِيضَةِ وَ لَمْ يُصَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ حَتَّى طَافَ بَيْنَ الصَّفَا وَ الْمَرْوَةِ- ثُمَّ طَافَ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ لَمْ يُصَلِّ لِذَلِكَ الطَّوَافِ حَتَّى ذَكَرَ وَ هُوَ بِالْأَبْطَحِ قَالَ يَرْجِعُ إِلَى الْمَقَامِ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ.[[8]](#footnote-8)

یعنی جنس نماز طواف که البته باید چهار رکعت بخواند، چون دو نماز طواف را فراموش کرده است.

اما اگر به منی رسیده باشد و یا در دیگر مشاعر متذکر شود، در این صورت که خروجش از مکه هم خروج ارتحالی نبوده است، چند روایت وارد شده است و باید بررسی شود:

روایت اول: صحیحه عمر بن یزید

وَ عَنْهُ عَنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيِ الْفَرِيضَةِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ- حَتَّى أَتَى مِنًى قَالَ يُصَلِّيهِمَا بِمِنًى.[[9]](#footnote-9)

این روایت می گوید در همان منی می تواند نماز بخواند.

روایت دوم: روایت هشام و حنان

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ زَعْلَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ بَشَّارٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى وَ حَنَانٍ قَالا طُفْنَا بِالْبَيْتِ طَوَافَ النِّسَاءِ وَ نَسِينَا الرَّكْعَتَيْنِ فَلَمَّا صِرْنَا بِمِنًى ذَكَرْنَاهُمَا فَأَتَيْنَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَسَأَلْنَاهُ فَقَالَ صَلِّيَاهُمَا بِمِنًى.[[10]](#footnote-10)

احمد بن محمد در سند این روایت، یا احمد بن محمد بن عیسی اشعری است و یا احمد بن محمد بن خالد برقی و هر دو ثقه هستند و لکن محمد بن حسین زعلان مجهول است.

روایت سوم: صحیحه هاشم بن مثنی

وَ عَنْهُ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هَاشِمِ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ: نَسِيتُ أَنْ أُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ لِلطَّوَافِ خَلْفَ الْمَقَامِ- حَتَّى انْتَهَيْتُ إِلَى مِنًى فَرَجَعْتُ إِلَى مَكَّةَ- فَصَلَّيْتُهُمَا ثُمَّ عُدْتُ إِلَى مِنًى- فَذَكَرْنَا ذَلِكَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فَقَالَ أَ فَلَا صَلَّاهُمَا حَيْثُ مَا ذَكَرَ.[[11]](#footnote-11)

روایت چهارم: روایت عمر بن یزید

وَ عَنْهُ عَنِ الطَّاطَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ وَ دُرُسْتَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) أَنَّهُ سَأَلَهُ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّكْعَتَيْنِ رَكْعَتَيِ الْفَرِيضَةِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ- حَتَّى أَتَى مِنًى قَالَ يُصَلِّيهِمَا بِمِنًى.[[12]](#footnote-12)

این چهار روایت گفت در منی نماز طواف را بخواند، بر خلاف حدیث پنجم که امر به رجوع به مکه کرده است.

روایت پنجم: صحیحه احمد بن عمر الحلال

وَ عَنْهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ الْحَلَّالِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ فَلَمْ يَذْكُرْ حَتَّى أَتَى مِنًى- قَالَ يَرْجِعُ إِلَى مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ فَيُصَلِّيهِمَا.[[13]](#footnote-13)

مشهور روایت پنجم را حمل کرده اند بر کسی که رجوع به مکه بر او سخت نیست، اما چهار روایت اول را حمل کرده اند بر کسی که رجوع به مکه بر او سخت باشد.

در حدائق به این جمع اشکال کرده است و فرموده تبرعی است، بلکه مقتضای جمع عرفی، حمل بر تخییر است و طبعا رجوع به مکه افضل خواهد بود و بعد فرموده: چگونه می شود روایت هشام بن مثنی را که حضرت توبیخ کرد و فرمود چرا در همان منی نماز نخواندی و به مکه برگشتی، حمل بر مشقت نمود، اگر مشقت بود که برنمی گشت.

محقق خوئی فرموده: به نظر ما حق با مشهور است، به این توضیح که؛ از روایاتی که می گوید در همان منی نماز منسی را بخواند، فقط روایت اول اعتبار سندی دارد و ما بقی ضعف سندی دارد، زیرا در سند روایت دوم، محمد بن حسین زعلان است و در سند روایت سوم، هشام بن مثنی وجود دارد و در سند روایت چهارم عمر بن البراء است، علاوه بر این که برخی از این روایات ثلاث مشکل دلالی دارد، روایت سوم مشکل دلالی دارد و در آن از طواف فریضه سخنی نیامده و شاید طواف مندوب بوده باشد، کما این که راوی می گوید هشام به مکه برگشته و شاید وضع هشام معلوم بوده که برای او رجوع به مکه مشقت دارد و از این جهت حضرت فرموده لازم نبوده که به مکه برگردد و نمی شود از آن اطلاق گرفت.

ان قلت: پس چرا رجوع کرد؟

قلت: رجوع کردن دلیل بر این نیست که مشقت نداشته باشد و امام علیه السلام فرموده نیازی به رجوع نبوده است بعد از این که مشقت داشته است.

لذا می ماند روایت اول و روایت پنجم، نسبت این دو روایت تباین است، یکی می گوید صلهما بمنی و دیگری می گوید صلهما خلف المقام، و لکن انقلاب نسبت وجود می آید به سبب معتبره ابی بصیر المرادی: وَ عَنْهُ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِئَابٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ يَعْنِي الْمُرَادِيَّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ أَنْ يُصَلِّيَ رَكْعَتَيْ طَوَافِ الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْمَقَامِ- وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَقامِ إِبْراهِيمَ مُصَلًّى- حَتَّى ارْتَحَلَ قَالَ إِنْ كَانَ ارْتَحَلَ فَإِنِّي لَا أَشُقُّ عَلَيْهِ وَ لَا آمُرُهُ أَنْ يَرْجِعَ وَ لَكِنْ يُصَلِّي حَيْثُ يَذْكُرُ.[[14]](#footnote-14)

کسی که خروجش ارتحالی است، حضرت فرمود اگر رجوع مشقت دارد، نمی خواهد برگردد و این یعنی اگر مشقت دارد باید رجوع کند، به طریق اولی کسی که خروجش ارتحالی نبوده همین حکم را دارد و در فرض عدم مشقت باید برگردد، بر خلاف فرضی که مشقت وجود داشته باشد و لذا صحیحه عمر بن یزید به معتبره ابی بصیر قید می خورد به صورتی که رجوع به مکه مشقت داشته باشد و اخص می شود و تقیید می زند صحیحه احمد بن عمر حلال را به فرض وجود مشقت، یعنی باید به مکه برگردد، مگر در رجوع مشقت باشد.

1. مناسك الحج (للخوئي)، ص: 144 [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة ج‏13 432 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-2)
3. تهذيب الأحكام؛ ج‌5؛ 137؛ 9 باب الطواف ؛ ج 5، ص : 101 [↑](#footnote-ref-3)
4. المبسوط في فقه الإمامية؛ ج‌1؛ 360؛ فصل: في ذكر دخول مكة و الطواف بالبيت ؛ ج‌1، ص : 355 [↑](#footnote-ref-4)
5. السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى؛ ج‌1؛ 577؛ باب دخول مكة و الطواف بالبيت ؛ ج‌1، ص : 569 [↑](#footnote-ref-5)
6. الدروس الشرعية في فقه الإمامية؛ ج‌1؛ 396؛ و ثاني عشرها: الركعتان في مقام إبراهيم عليه السلام ؛ ج‌1، ص : 396 [↑](#footnote-ref-6)
7. مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام؛ ج‌2؛ 335؛ فالواجب سبعة ؛ ج 2، ص : 331 [↑](#footnote-ref-7)
8. وسائل الشيعة ج‏13 428 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-8)
9. وسائل الشيعة ج‏13 429 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-9)
10. وسائل الشيعة ج‏13 432 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-10)
11. وسائل الشيعة ج‏13 429 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-11)
12. وسائل الشيعة ج‏13 429 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-12)
13. وسائل الشيعة ج‏13 430 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-13)
14. وسائل الشيعة ج‏13 430 74 باب أن من نسي ركعتي الطواف الواجب حتى خرج من مكة لزمه العود و الصلاة خلف المقام فإن شق عليه جاز أن يصلي حيث ذكر و أن يستنيب من يصلي عنه خلف المقام و كذا من تركهما جهلا و إن مات قضيت عنه ..... ص : 427 [↑](#footnote-ref-14)